

آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان

دکتر حسین لطف‌آبادی*

چکیده

این مقاله بر سه موضوع اصلی و مرتبط با یکدیگر تأکید دارد:

اول، توضیح مفاهیم اساسی جهانی‌شدن، جهانی‌سازی، جهانی‌نگری و ملیت‌گرایی، هویت ملی، نظام ارزشی، شهروندی و مهارت‌های زندگی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر؛

دوم، ارائه یافته‌های پژوهشی نگارنده در باره وضعیت نوجوانان و جوانان دانش‌آموز ایران، نگرش آنان به جوانب گوناگون زندگی اجتماعی و مدنی، نظام ارزشی، جهانی‌شدن و جهانی‌سازی و بررسی ویژگی‌های مهم روان‌شناختی که مانع از رشد شهروندی است؛

سوم، توضیح معنا و حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در سطوح محلی و ملی و جهانی، ضرورت و چگونگی آموزش فلسفه و روش تفکر درست به دانش‌آموزان برای تصمیم‌گیری اندیشمندانه در مقوله شهروندی.

نظریه بنیانی ارائه شده در این مقاله آن است که: «آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هویت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی‌شدن در قرن حاضر آماده کند.» برای این منظور، نگرش آموزش و پرورش به برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه در آموزش عمومی باید تغییر یابد و افزون بر آموزش‌های درسی، تحکیم هویت و نظام ارزشی

* . استاد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی (آدرس در اینترنت: WWW.Lotfabadi.com).

انسانی و ملی، آموزش شهروندی و مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی و اقتصادی و علمی و فرهنگی را محور برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار دهد. آموزش شهروندی محلی و ملی و جهانی به دانش‌آموزان، بخشی مهم از این برنامه‌هاست.

مطالعات ارائه شده در این مقاله نشان می‌دهد که گروه‌های قابل توجهی از نوجوانان و جوانان دانش‌آموز ایرانی دچار ضعف‌های اساسی در هویت اجتماعی و مدنی و گرفتار نگرش‌های ضداجتماعی و خلافکاری و روحیه سرکشی هستند. در چنین وضعیتی، آموزش حقوق و مسئولیت‌های محلی و ملی و جهانی در جوانب گوناگون شهروندی در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه و آموزش رفتار مبتنی بر تفکر درست، مسئولیت‌پذیری، و تصمیم‌گیری اندیشمندانه ضرورت دارد. چگونگی این آموزش‌ها نیز، در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژگان: آموزش شهروندی، هویت ملی، نظام ارزشی، جهانی‌شدن، جهانی‌سازی، جهانی‌نگری و ملیت‌گرایی، حقوق و مسئولیت، آموزش فلسفه به دانش‌آموزان، تفکر درست، حل مسأله، مهارت‌های زندگی.

Teaching national and global citizenship along with stabilizing the students' identity and value system

Hossein Lotfabadi (Ph. D.)¹

Abstract

This article consists of three main and inter-related subjects:

1 - Professor of Educational Psychology, Shaheed Beheshti University (Website: www.Lotfabadi.com)

First, the explanation of the fundamental concepts of globalization, globalizing, having global views and nationalism, national identity, value-system, citizenship, life skills, and their relationship with each other.

Second, providing the author's research findings concerning the adolescent and youth students' status, their attitudes toward different aspects of social and civil life, value-system, globalization, globalizing, as well as reviewing the important psycho-cognitive characteristics, which prevent citizenship development.

Third, The description of the meaning, rights, and responsibilities of citizenship in the local, national, and global levels as well as the necessity and the how-to for teaching philosophy to school students and the correct way of thinking and decision making in the field of citizenship.

The fundamental thesis offered in this article is that the Iranian education system should prepare the adolescents and youths for living in the current century of globalization if it wants to stabilize and develop the adolescents' and youths' national identity and the value-system and citizenship skills. For this purpose, the education system view on school curriculum and class activities in the public education system should change. Besides teaching ordinary lessons, the education system should concentrate on educational programs concerning national identity, human, religious, and national value-system as well as trainings skills on citizenship and individual, social, economical, scientific, and cultural life. Teaching of local, national, and global citizenship to students is an important part of these programs.

The results of studies offered in this article show that considerable groups of Iranian adolescents and youths have fundamental weaknesses in social and civic identity and are caught up with anti-social attitudes, wrongdoing, and rebellious mentality. In such circumstances it is urgent that the rights and responsibilities in the local, national, and global levels in various aspects of citizenship be taught in education programs to the students. Furthermore, the students are in need of teachings concerning how to think correctly as well as how to make wise decisions and accept responsibility. The method for these teachings is also discussed in this article.

Keywords: citizenship teaching, national identity, value-system, globalization, globalizing, having global views and live nationally, rights and responsibility, teaching philosophy to school students, right thinking, problem-solving, and life skills.

مقدمه

نگرش بنیادی در این مقاله آن است که رشد شخصیت و تحکیم هویت و نظام ارزشی ملی و انسانی دانش‌آموزان ایرانی مهم‌ترین وظیفه تربیتی آموزش و پرورش است و تربیت شهروندی محلی و ملی و جهانی و مهارت‌های زندگی انسانی از طریق آموزش درست اندیشیدن، باید به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌های درسی مدارس در نظر گرفته شود. آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد به هویت ملی و نظام ارزشی کودکان و نوجوانان و جوانان اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن حاضر آماده کند. غفلت از این وظیفه مهم، نه تنها باعث فقر هویتی و محدودنگری جهان‌بینی گروه‌های وسیعی از دانش‌آموزان خواهد شد بلکه زمینه جذب بی‌رویه گروه‌های وسیع دیگری از آنان به فرهنگ و سبک زندگی جهانی‌سازی بیگانه را نیز فراهم خواهد آورد. این نظریه و مسائل اساسی مربوط به آن در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- جهانی شدن، جهانی سازی، جهانی نگری و ملیت گرایی، هویت ملی، نظام ارزشی، شهروندی، و مهارت‌های زندگی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر

۱-۱- جهانی شدن

بررسی تحولات جهان در نیم قرن اخیر نشان می‌دهد که تغییراتی بسیار عمیق در باورها و ارزش‌ها و سبک زندگی مردم جهان به وقوع پیوسته است و گسترش جهانی این تغییرات، همواره دامنه و شدت بیش‌تری می‌یابد. این تغییرات که ناشی از تحولات سیاسی و اقتصادی جهان و پیشرفتهای فناوری اطلاعات در عصر حاضر است، متقابلاً تأثیری عظیم بر جوانب گوناگون زندگی اجتماعی و فرهنگی به جای گذاشته و افراد را از مردمانی محلی و ملی به انسان‌هایی جهانی تبدیل کرده است (رفیعی، ۱۳۸۱؛ گل محمدی، ۱۳۸۱؛ فاکس، ۱۳۸۱؛ نقیب‌السادات، ۱۳۸۲). پدیده و مفهوم "جهانی شدن" در عصر حاضر، از اواخر جنگ جهانی دوم به بعد، با عنوان‌های گوناگون در کشورهای پیشرفته صنعتی غرب طرح شده و هر روز که می‌گذرد با سرعت و دامنه بیش‌تری گسترش می‌یابد به گونه‌ای که از دهه ۱۹۹۰ تا به حال، به یکی از چالش‌های اساسی بشری مبدل

شده است (ثانی، ۱۳۸۲). درگیری‌های بزرگی که هم‌اکنون در جهان جریان دارد در ارتباط مستقیم با مسأله جهانی‌شدن و جهانی‌سازی است.

جهانی‌شدن موجب انتقال بسیار سریع و گسترده فرهنگ و سبک زندگی مُدرن در تمام حوزه‌های زندگی و حتی باعث تغییر در ارزش‌ها و هویت و روابط انسانی و عواطف انسان‌ها در تمام جهان شده است (استیگلز، ۱۳۸۲؛ ادواردز و آشر، ۲۰۰۰؛ بن‌ونیسته، ۱۹۹۹). بررسی دقیق و شناخت علمی چالش عظیم جهانی‌شدن و پدیده خروشانانه که با ارزش‌های فرهنگی و سرنوشت و هویت ملی و با حیات روزمرهٔ تعلیم و تربیت و حتی با زندگی فردی و خانوادگی ما عمیقاً مرتبط شده، ضرورتی انکارناپذیر است.

واقعیت این است که در طول تاریخ بشر، ملت‌ها همیشه دارای مناسبات متقابل اقتصادی و اجتماعی و تأثیر و تأثر فرهنگی و هویتی بوده‌اند و برخی از ملت‌ها بیش از بقیه بر دیگران تأثیر گذاشته و سبک زندگی خود را به‌گونه‌ای آشکار و پنهان در میان آنان گسترش داده‌اند. اما تحولات سیاسی - اجتماعی قرن اخیر، همانند تغییرات اقتصادی و فنی و علمی و فرهنگی در این قرن، در طول تاریخ بشر نظیر ندارد و به‌ویژه، زندگی نوجوانان و جوانان جهان را به‌کلی دگرگون کرده است. تغییرات فرهنگی نیز، هم در آموزش و پرورش و آموزش عالی و هم در آموزش‌های غیررسمی و در بهره‌گیری از هنرها و ادبیات و گذران اوقات فراغت و در حوزه رسانه‌های گروهی، زندگی کودکان و نوجوانان و جوانان را دچار تغییرات اساسی کرده است.

جهانی‌شدن نه فقط بر اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگ‌ها و نظام‌های آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می‌گذارد. (کارنوی، ۱۹۹۹؛ کارنوی و راتن، ۲۰۰۲). به همین دلیل، برنامه‌ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی‌تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی‌شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملت‌ها صورت گیرد.

۱-۲- جهانی‌سازی

در چند دههٔ اخیر، علاوه بر فرایند طبیعی مناسبات جهانی و جهانی‌شدن زندگی مردم، شاهد بوده و هستیم که طرح جهانی‌سازی نیز، برای فراگیر کردن ایدئولوژیها و فرهنگ‌های معین، خاصه فرهنگ آنگلو-ساکسون در گوشه و کنار جهان، عرصه را بر فرهنگ‌های دیگر و بر هویت مردمان متفاوت از فرهنگ‌های مهاجم تنگ‌تر و تنگ‌تر کرده و، از این طریق، چالش روان‌شناختی بی‌سابقه‌ای را نیز در هویت مردمان ایجاد کرده است (نگاه کنید به: گرین، ۱۹۹۷؛ تیرنی، ۲۰۰۰؛ دان، ۲۰۰۲؛ و راپرت، ۲۰۰۲).

جهانی‌سازی در کم‌ترین تأثیرگذاری خود، دو نتیجه متعارض را سبب شده است: یکی انفعال و تسلیم‌پذیری گروهی از افراد که سبک زندگی فرهنگ مُدرن را آرمان خود می‌دانند، و دیگری ستیزه‌جویی و وحشت‌آفرینی گروه‌هایی که زیر پوشش باورها و سبک زندگی سده‌های پیشین در پی نابودی تمدن جدید بشری و دستیابی به قدرت مطلقه خود هستند. این دو نوع نگرش تفاوت‌های بنیانی با یکدیگر دارند. مؤلفه‌های نگرش "منفعل و تسلیم‌پذیر" عبارت از پذیرش بی-قید و شرط اهداف و برنامه‌ها و عملکردهای قدرت‌های مسلط جهانی، انتقال وظایف و اقتدار دولت به بازار آزاد جهانی، کنارگذاشتن باورها و اندیشه‌های ملی در اداره امور، مقررات‌زدایی ملی، تضعیف اقتدار ملی کشور، دنباله‌روی بی‌چون و چرا از نظام سیاسی بیگانه و پذیرش فلسفه و سبک زندگی ایندیویدیوالیستی، رلاتیویستی و پراگماتیستی است. ما این مفهوم از جهانی شدن را "جهانی‌سازی غربی" نام نهاده و آن را متفاوت از مصالح هویت ملی و نظام ارزشی فرهنگ ملی دانسته‌ایم (لطف‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳).

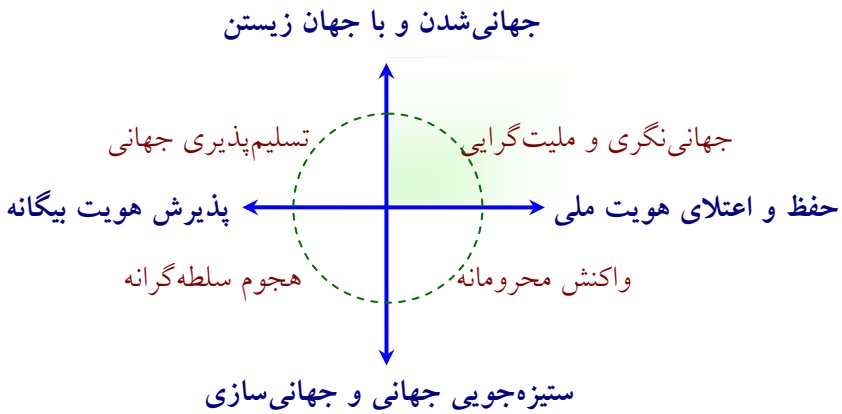
از سوی دیگر، مؤلفه‌های نگرش ستیزه‌جویانه به جهانی‌شدن، شامل تمایل به جدایی و مقابله با سبک زندگی مُدرن، تعلق بیش از حد به گذشته‌های دور و ارزش‌های مسلط بر زندگی سنتی، اتکا به مفاهیم کلی فریبنده و زبان آرمانی فارغ از عمل پیشرو اجتماعی و فرهنگی، حفظ لایه‌های رویی مناسبات اجتماعی و فرهنگی سنتی به منظور پوشاندن لایه‌های درونی استثمار شدید اقتصادی و بی‌خبر نگه‌داشتن دیگران از آن‌ها، به‌کارگیری ارباب و خشونت در حل مشکلات اجتماعی و فرهنگی، و کنترل و سرکوب تمام و کمال اندیشه‌های متفاوت از نظام فکری واپسگرایی اجتماعی است.

۱-۳- جهانی‌نگری و ملیت‌گرایی

در میان دو کرانه جهانی‌سازی و ستیزه‌گری در مقابل جهانی‌شدن، نگرشی رهایی‌بخش را می‌توان در نظر گرفت که آن را "جهانی‌نگری و ملیت‌گرایی" می‌نامیم. ویژگی اصلی این نگرش آن است که فعال و تکثرگرای است و مؤلفه‌های آن را دموکراسی، حفاظت و اعتدالی فرهنگ ملی، بهره‌گیری از جوانب مثبت فرهنگ جهانی، گرایش مثبت به تاریخ و ارزش‌های ملی، گرایش به عزت و اقتدار ملی، اعتقاد و عمل به برابری حقوق سیاسی و اقتصادی و فرهنگی همه کشورهای، روابط مسالمت‌آمیز مبتنی بر حق برابر حاکمیت ملی و حق برابر تعیین سرنوشت در بین کشورها، و برقراری مناسبات انسانی بین تمام مردم بر مبنای مسئولیت‌ها و حقوق برابر انسانی تشکیل می‌دهد. ما این نوع نگرش را، که اساسی‌ترین دیدگاه اجتماعی رهایی‌بخش و تاریخ‌ساز در زمان ما است، یک رویکرد علمی و خردمندانه و مینوی به جهانی‌شدن یا "نگرش میانه‌گزینی" و لازمه رشد و پیشرفت و آبادانی کشور می‌دانیم. این نگرش میانه‌گزینی همان است که در نمودار زیر در

زاویه راست و بالای تقاطع کرانه‌های جهانی شدن و با جهان زیستن در مقابل ستیزه‌جویی جهانی و جهانی‌سازی؛ و حفظ و اعتلای هویت ملی در مقابل تسلیم‌شدن به هویت بیگانه قرار می‌گیرد. این نگرش در فرهنگ ملی، از جمله توسط حکیم بزرگ فردوسی (در بیت ۳۲۱۹۵، بند یازدهم، صفحه ۱۸۲ از جلد هفتم شاهنامه، چاپ ۱۹۶۸)، مورد تأکید قرار گرفته و به ما آموخته است که:

میانه‌گزینی بمانی به‌جای خردمند باشی و پاکیزه رای



نمودار ۱- واکنش‌های گوناگون به پدیده جهانی‌شدن و جهانی‌سازی

نگرش مورد قبول ما آن است که اولاً ستیزه‌جویی عصیانگرانه و برانگیختن محرومان رشدنا یافته و متعصب، موجب موفقیت در مقابل هجوم جهانی‌سازی نخواهد شد بلکه منجر به عقب‌ماندگی و انزوای بیش‌تر می‌شود. ثانیاً، دانش‌آموزان نوجوان و جوان ما نمی‌توانند خود را از جهان جدا کنند بلکه ناچارند، به جای ستیزه‌جویی بی‌حاصل و واپسگرا، یکی از دو راه (انفعال و تسلیم‌پذیری یا جهانی‌نگری و ملیت‌گرایی) را انتخاب کنند. آنان که روحیات منفعل و تسلیم‌پذیر دارند یا در مسیر سبک زندگی و رسانه‌های فراگیر جهانی رشد می‌کنند عموماً مدافع راه اول‌اند. و آنان که در محیط تربیتی خردمندانه و ایران‌دوستانه رشد می‌کنند و در عین حال خود را متعلق به عصر حاضر نیز می‌دانند و به هویت فرهنگی و ملی خود اهمیت می‌دهند، "جهانی‌نگری و ملیت-گرایی" را پیش روی خود قرار می‌دهند. مسأله این گروه اخیر آن است که در نگرش خود به پدیده جهانی‌شدن، هم در سازگاری با جهان موجود زندگی می‌کنند و هم ارزش‌ها و هویت ملی خویش را پاسداری و تقویت می‌کنند و بر جهان انسانی اثر می‌گذارند. جدا از این دو گروه، افرادی که وابستگی شدید به سبک زندگی کهنه و روحیه مقابله‌جویی با زندگی جدید در عصر حاضر را دارند یا از آن سود می‌برند به ستیزه‌جویی روی می‌آورند و با هر آن‌کس که غیر از گروه

آنان است دشمنی می‌کنند. آنان مردم کشور خود و کل جهان را به دو دسته تقسیم می‌کنند، یکی گروه خودشان که دوست شمرده می‌شوند و دیگر اکثریت مردمان که دشمن به حساب می‌آیند.

در چنین وضعیتی، ما باید در باره نگرش نوجوانان و جوانان ایران به پدیده جهانی شدن و تأثیر این نگرش بر نظام ارزشی و هویت آنان، حساسیت کافی نشان دهیم و آموزش و پرورش کشور خود را برای پاسخ‌گویی مناسب به این چالش عظیم جهانی آماده سازیم. بدون تردید، پاسخ‌گویی به این وضعیت پیچیده و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و عمل آموزشی و پرورشی نیازمند یافته‌های روشن پژوهشی در باره مفهوم جهانی شدن و چگونگی و میزان تأثیر آشکار و پنهان آن بر جوانب گوناگون برنامه‌ها و کارکردهای تعلیم و تربیت است.

انسان امروز، صرفاً موجودی منحصر در خانواده و جامعه و کشور خود نیست بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از جهان بشری و مناسبات جهانی است. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، هر فردی متأثر از مناسبات جهانی است و به‌صورت موجودی جهانی درآمده است (اینگلهارت، ۲۰۰۰). در چنین شرایطی، ما با راه‌های گوناگونی از انتخاب مواجه‌ایم: یکی آن‌که برتری کشورهای پیشرفته صنعتی بر سایر مردم جهان را بپذیریم و خود را در وضعیتی منفعل در برابر جریان سهمگین "جهانی‌سازی" بیگانگان بسپاریم. راه دوم آن است که خود را از جهان و مناسبات جهانی جدا کنیم و چشم به راه تنهایی پیش روی خود بدوزیم و به مقابله عصیانگرانه در مقابل فرایند جهانی‌شدن روی آوریم و، به جای اعتلای شهروندی و تمدنی خود، به شیوه‌های زندگی گذشته‌های دور متوسل شویم. انتخاب سوم آن است که با رشد و پرورش ویژگی‌های شهروندی و تمدنی خود، هم به‌صورتی فعال در مناسبات جهانی قرار گیریم و هم با حفظ استقلال و اعتلای فرهنگی و تاریخی و ملی خود، راه عزت و اقتدار در جهان معاصر را بپیماییم و بتوانیم نقش مثبت و مؤثر خود را در مناسبات جهانی ایفا کنیم.

از چنین دیدگاهی است که ما در پژوهشی که در موضوع جهانی شدن و هویت و نظام ارزشی نوجوانان دانش‌آموز ایران انجام داده‌ایم، دو نوع نگرش اصلی به پدیده جهانی شدن (یعنی نگرش منفعل و تسلیم‌پذیر در مقابل نگرش فعال یا جهانی‌نگری همراه با ملیت‌گرایی) را مورد بررسی قرار داده‌ایم تا ببینیم نحوه نگرش به "جهانی شدن" چه آثاری در زندگی ارزشی و ملی و اجتماعی نوجوانان و جوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ما دارد و آموزش و پرورش ایران باید چه واکنشی در برابر آن داشته باشد. برخی از یافته‌های پژوهش مذکور و پژوهش مشابه دیگری را که مربوط به همه نوجوانان و جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله است در بخش دوم این مقاله ارائه کرده‌ایم.

هویت، در مقوله شخصیت، به معنای خود اساسی و مستمر فرد، و مفهوم درونی و ذهنی است که او از خویش به عنوان یک شخص دارد. در این معنا، معمولاً کیفیت و ویژگی‌های شخص، مثل هویت فردی، هویت جنسی، هویت شغلی، هویت اجتماعی، هویت اخلاقی، هویت ملی، هویت فرهنگی، و هویت دینی مشخص می‌شود.

در روان‌شناسی شخصیت و تحول آن، سه مفهوم "خود"، "هویت"، و "نظام ارزشی" جایگاه محوری دارند. در این میان، دو جنبه از مفهوم "خود"، یعنی "دریافت از خود" و "ارزشمندی خود"، چهار جنبه از مفهوم هویت، یعنی "دستیابی هویت"، "تعلیق هویت"، "توقف هویت"، و "اغتشاش هویت"، و طیف وسیعی از انواع و مراتب "نظام ارزشی" حائز اهمیت اساسی در شناخت وضعیت و تحول نوجوانان و جوانان (اعم از دانش‌آموز و غیردانش‌آموز) است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵). در آثار روان‌شناسی عموماً از دو مفهوم دیگر برای بیان وضعیت هویت نوجوانان و جوانان نیز استفاده می‌شود. این دو مفهوم عبارت‌اند از: تعهد^۱ که به معنای سرمایه‌گذاری شخصی در انجام امور مهمی است که نوجوان یا جوان مایل به دستیابی به آن‌هاست؛ و بحران^۲ که حاکی از سردرگمی فرد در انتخاب راه مناسب در پاسخ‌گویی به اکثر سؤالات هویتیابی است.

هویت انسانی و فرهنگی و ملی متشکل از عوامل و عناصری است که با تعریف شناخته شده از مفهوم "هویت" بررسی می‌شود. هویت سالم انسانی اساساً بر باورهای مینوی جاودانه، جستجوی نیکی و اخلاق انسانی، درست‌اندیشیدن و واقع‌بینی و عمل به موازین هنجار هستی انسانی تکیه دارد. از سوی دیگر، هویت ملی مربوط به ریشه‌های تاریخی مشترک، سرزمین مشترک، تابعیت دولتی مشترک، سنن فرهنگی مشترک، زبان رسمی مشترک، و مصالح مشترک است (استفان تیرنی، ۲۰۰۰)^۳. هویت ملی و فرهنگی نوجوانان و جوانان، بخش مهمی از هویت عمومی آنان است. هویت ملی و فرهنگی ما ایرانیان، با توجه به دیرپایی تاریخ و فرهنگ ایران، حاکی از پای‌بندی و تعهد و توجه به حقیقت و جوهر هستی، احساس تعلق عمیق روحی و فکری و رفتاری به سرزمین آباء و اجدادی و مردم، تاریخ، فرهنگ، سنن و شیوه زندگی ایرانی و دربرگیرنده جوانب گوناگونی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت از باورهای مینوی، احساس ایرانی بودن، تعلق خاطر به تاریخ و تمدن، فرهنگ و اخلاق و سنن ملی، زبان و ادبیات و هنرهای ملی، تعهد در حفاظت از سرزمین آباء و اجدادی، استقلال‌طلبی و اقتدار ملی، و کوشش برای رشد و پیشرفت و آبادانی کشور است.

در تعریف عینی‌تر این مفاهیم، می‌توان گفت که منظور ما از هویت فرهنگی و ملی در این تحقیق، خود اساسی و مستمر فرد، در نگرش به عوامل و عناصر هویت فرهنگی و هویت ملی

(نگرش مثبت و جانب‌دارانه نسبت به ریشه‌های تاریخی و سرزمین مشترک، دفاع از سرزمین، و سنن فرهنگی مشترک) است.

۱-۵- نظام ارزش‌ها

در مورد معنا و مفهوم نظام ارزش‌ها، نظر ما آن است که ارزش‌ها در شمار درونی‌ترین لایه‌های شخصیت فرد است و شناخت دقیق از هر فرد در گرو شناخت این ارزش‌ها و گرایش‌های ارزشی و هویت اوست. ارزش‌ها را می‌توان شکل‌دهنده پایه‌های نظام رفتاری فرد دانست که دارای بیش‌ترین تأثیر در کنش‌ها و واکنش‌های اوست. این ارزش‌ها در بُعد روان‌شناختی مهم‌ترین منبع برای جهت‌گیری و درک و شناخت از خود، و در بُعد اجتماعی مجموعه‌ای از عقاید و هدف‌ها و نگرش‌ها است که فرد، در جریان رشد و جامعه‌پذیری، آن‌ها را به دست می‌آورد و خود را با قواعد و هنجارهای جامعه هماهنگ می‌سازد. هر یک از ارزش‌ها را می‌توان عقاید پایدار فرد نسبت به شیوه خاصی از رفتار یا هدف نهایی زندگی دانست که از نظر فردی یا اجتماعی در مقابل شیوه دیگری از رفتار یا هدف دیگری از هستی قابل ترجیح است.

در تعریف عملیاتی ارزش‌ها، ترجیح معین باورها و طرزفکرها و رفتارها در حوزه‌های کلی و پایه‌ای را ارزش‌های زندگی می‌نامیم. این ارزش‌ها را عموماً برحسب تقسیم‌بندی ششگانه آلپورت (یعنی ارزش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی، زیبایی و نظری) مورد سنجش قرار داده‌اند (آلپورت و همکاران، ۱۹۶۰؛ زتربرگ، ۱۹۹۷). ما در تحقیق خود بر اساس نظریه‌پردازی متفاوت با نظر آلپورت و لیندزی و ورنون (و متفاوت با بنیان‌های روان‌شناسی اجتماعی ماکس وبر و ادوارد اشپرانگر، که اساس کار آلپورت و همکارانش قرار گرفته) یک ابزار بومی سنجش نظام ارزشی (لطف‌آبادی - نوروزی، ۱۳۸۳) ساخته و در تحقیق خود از آن استفاده کرده‌ایم. در این مقیاس، ده ترجیح در نظام ارزشی و نیز محتوا و شدت و جهت‌گیری ارزشی در ده مقوله ارزش‌های فردی، ارزش‌های خانوادگی، ارزش‌های اقتصادی، ارزش‌های سیاسی، ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های هنری، ارزش‌های علمی و نظری، ارزش‌های دینی، ارزش‌های ملی، و ارزش‌های جهانی شدن و جهانی‌سازی، مشخص شده است.

۱-۶- شهروندی و مهارت‌های زندگی

مفهوم شهروندی در درجه اول، دارای وجوه مشترک با مهارت‌های زندگی در سطح محلی و ملی است و در درجه دوم، با مهارت‌های زندگی در جامعه جهانی ارتباط دارد. از چنین دیدگاهی است که ما، نه بر اساس رویکرد روان‌شناسی فردی و اجتماعی جوامع پیشرفته صنعتی بلکه بر پایه روش زندگی ایرانی، مهم‌ترین مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان نوجوان و جوان برای زندگی

سعادت‌مندانۀ ایرانی در جهان کنونی را به شرح هشت گروه از مهارت‌های زیر پیشنهاد کرده‌ایم (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴). ویژگی‌های شهروندی نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از همین مهارت‌هاست و همان‌گونه که شاهد هستیم، مهارت‌های شماره ۱ تا ۵ در زندگی شهروندی، اهمیت بیش‌تری دارد و سه مهارت ۶ تا ۸ زمینه‌ساز مهارت‌های شهروندی است:

۱- شناخت زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی و ملی و دینی در کشور، اولین گروه از مهارت‌هایی است که دانش‌آموزان ما باید فراگیرند.

۲- دومین گروه از مهارت‌ها این است که دانش‌آموزان ما یاد بگیرند سلامت جسمی و بهداشت فردی و زیست‌محیطی را حفظ کنند و بهبود بخشند تا رضایت از زندگی برای آنان و دیگران آسان‌تر شود.

۳- گروه سوم از مهارت‌ها آن است که نوجوانان و جوانان دانش‌آموز یاد بگیرند که نظم و قانون‌مداری و عدالت را در همه حال رعایت کنند و در همهٔ اموری که انجام آن‌ها بر عهدهٔ آنان است، احساس مسئولیت داشته باشند.

۴- مناسبات سالم اجتماعی، هم‌دلی و هم‌دردی و کمک‌رسانی، رشد مهارت‌های زبانی و انواع دیگر ارتباط‌های مبتنی بر شأن انسانی، توانایی برقرار کردن ارتباط مؤثر و ثمربخش با دیگران، بده‌بستان برابر و عادلانه، دوست داشتن هم‌زبانان و همراهان و هم‌وطنان و سایر انسان‌ها چهارمین گروه از مهارت‌هاست.

۵- گروه پنجم از مهارت‌ها، که اهمیت ویژه‌ای در هویت و شخصیت و زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی نوجوانان و جوانان دارد، مهارت‌های شغلی است. ما از این بابت در کشور خود مشکلات بی‌شماری داریم و جا دارد آموزش و پرورش، هم با فراهم کردن زمینه‌های مهارت‌های شغلی در ذهن و روحیه و رفتار تمام دانش‌آموزان (مانند دقت و نظم و مسئولیت و پی‌گیری و نوآوری و شکل‌گیری درست هویت شغلی) و هم در برنامه‌ریزی‌های آموزش فنی و حرفه‌ای سطوح بالاتر تحصیلی از نظر آموختن دانش و مهارت‌های تخصصی به نوجوانان و جوانان و ایفای نقش و اعمال فشار بر نهادهای مسئول تأمین فرصت‌های شغلی برای جوانان، نقش حیاتی خود را به‌درستی ایفا کند. استحکام هویت شغلی جایگاه بی‌همتایی در نظام شخصیت جوانان دارد و از نظر رشد و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشور و تأمین عدالت اجتماعی و رفاه فردی نیز، حائز اهمیت اساسی است.

۶- گروه ششم از مهارت‌ها این است که دانش‌آموزان در هر سنی، خود را چنان‌که هستند و بدان‌گونه که می‌توانند باشند، به درستی بشناسند و شیوهٔ زندگی خود را بر اساس

توانایی‌ها، استعدادها، هدف‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت و درازمدت و در راستای تحقق باورها و آرزوهایی که دارند، سازمان‌دهی کنند.

۷- هفتمین گروه از مهارت‌های زندگی این است که کودکان و نوجوانان و جوانان به روش درست‌اندیشیدن (که مجموعه‌ای از توانایی‌های تفکر واقع‌بینانه و منطقی، آگاهی و هشیاری و تفکر انتقادی، خلاقیت در اندیشه و نگرش به امور، و توانایی حل مسأله است) مجهز شوند.

۸- هشتمین گروه از مهارت‌ها برای زندگی سالم نوجوانان و جوانان آن است که سلامت و تعادل دستگاه روانی خود را از طریق مقابله با اضطراب و هیجان‌های کاذب و افراطی، مقابله با افسردگی و بی‌هیجانی، مقابله با فشارهای روانی و تنیدگی و درهم‌فرورفتگی، مقابله با خودخواهی و حسد و کینه‌ورزی و حل تعارض‌های زیان‌بخش در زندگی درونی و بیرونی حفاظت کنند.

برخورداری نوجوانان و جوانان دانش‌آموز از ویژگی‌های مذکور قطعاً نیازمند آموزش و تربیت است و خود به خود حاصل نمی‌شود. جدا از تأثیرهای اساسی و انکارناپذیر خانواده بر چگونگی دستیابی به مهارت‌های زندگی و شهروندی و شکل‌گیری هویت و شخصیت، نهاد مسئول آموزش و پرورش‌دهنده این مهارت‌ها و هویت و شخصیت دانش‌آموزان، مدرسه، معلم، برنامه‌ها و روش‌ها و فضای تعلیم و تربیت رسمی در کشور است. بررسی‌های ما نشان می‌دهد که هم نهاد خانواده و هم نهاد مدرسه و جامعه معلمان، اگرچه تمایل جدی برای رشد و پرورش مهارت‌های زندگی و استحکام‌بخشیدن به هویت و رشد دادن شخصیت کودکان و نوجوانان و جوانان دارند، اما، در فهم درست موضوع و در انجام وظایف خود در این مسائل حیاتی دچار کمبودها و کم‌توانی‌های گوناگون هستند و، در مجموع، نمی‌دانند و برنامه روشنی ندارند که چه باید کرد.

۲- یافته‌های پژوهشی در مورد وضعیت نوجوانان و جوانان دانش‌آموز ایران و نگرش آنان به جوانب گوناگون زندگی اجتماعی و مدنی و نظام ارزشی و جهانی‌شدن و جهانی‌سازی

۲-۱- وضعیت هویت اجتماعی و مدنی نوجوانان و جوانان دانش‌آموز

چالش‌های اجتماعی و روان‌شناختی مربوط به جهانی‌شدن، موجب شده است که بسیاری از مردم، به‌ویژه نوجوانان و جوانان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی کشور ما، بر سر دوراهی انتخاب بین

سنن قدیمی و تجددطلبی مدرن سرگردان شوند و درجاتی از بحران هویت را تجربه کنند. مطالعات ما (لطف‌آبادی، ۱۳۸۳؛ لطف‌آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳) روی یک نمونه ۴۲۹۲ نفری از نوجوانان و جوانان دانش‌آموز کشور نشان می‌دهد که در برخی جوانب هویت، از جمله در هویت فرهنگی و اجتماعی و شهروندی، دو سوم از نوجوانان و جوانان دانش‌آموز ایران دچار کمبود و کم‌رشدی هستند و ویژگی عدم تعهد و حتی بحران هویت، دست‌کم در میان یک سوم از آنان وجود دارد. بر اساس این مطالعات فقط ۳۳ درصد از نوجوانان و جوانان دانش‌آموز ایران به مرحله پیشرفت و دستیابی به هویت اجتماعی و مدنی رسیده‌اند و بقیه در تعلیق و توقف و اغتشاش هویت گرفتارند (جدول ۱). با توجه به این‌که قاعدتاً انتظار داریم رفتارهای اجتماعی و شهروندی در دوره دبستانی شکل اساسی و جامعه‌پسند خود را پیدا کند، این یافته‌ها نشان از وجود مشکل در هویت اجتماعی و شهروندی (در میان ۶۷ درصد از نوجوانان و جوانان دانش‌آموز) دارد. در مورد هویت شغلی نیز، که عنصر بسیار مهمی در هویت اجتماعی و شهروندی است، با نارسایی مشابهی روبه‌رو هستیم و شاهدیم که در حدود دو سوم نوجوانان و جوانان دانش‌آموز از این نظر دچار مشکل هستند.

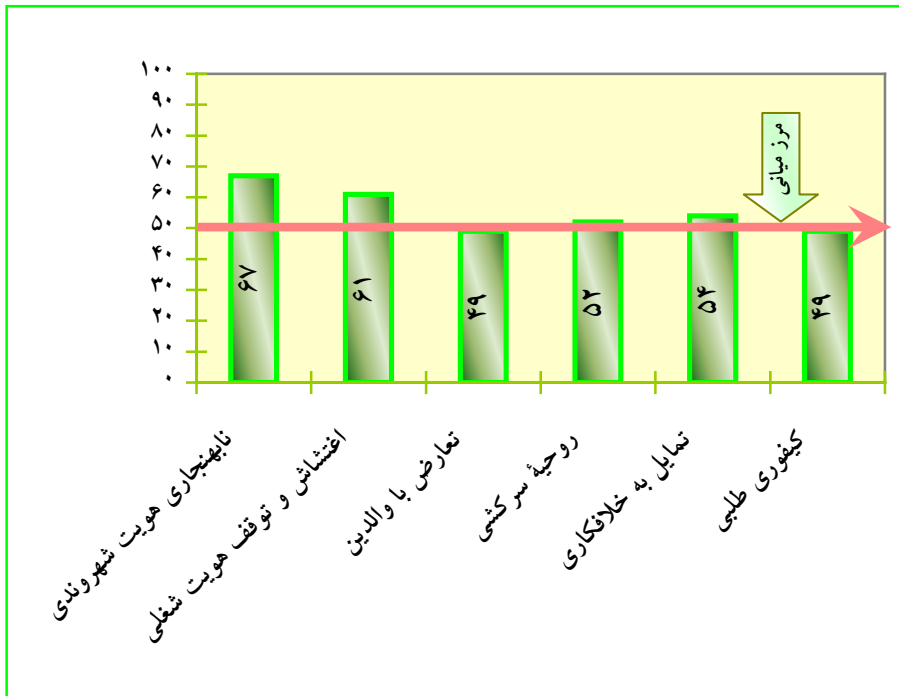
جدول ۱. وضعیت هویت اجتماعی و مدنی نوجوانان و جوانان دانش‌آموز

چهار وضعیت اساسی هویت	دستیابی به هویت	تعلیق هویت	توقف هویت	اغتشاش هویت
هویت اجتماعی و شهروندی	۳۳٪	۲۵٪	۲۵٪	۱۷٪
هویت شغلی	۲۰٪	۱۹٪	۲۹٪	۳۲٪

یافته‌های پژوهش دیگر ما (لطف‌آبادی، ۱۳۸۲) در زمینه سلامت روانی و میزان ناهنجاری‌های روانی در بین نوجوانان و جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله (که همگی در ارتباط مستقیم با ویژگی‌های شهروندی است) حاکی از آن است که درجاتی از تعارض با والدین (۴۹ درصد)، روحیه سرکشی (۵۲ درصد)، تمایل به خلافکاری (۵۴ درصد)، و کیفوری‌طلبی یا مخاطره‌پذیری در برابر اعتیاد (۴۹ درصد) در بین نوجوانان و جوانان دیده می‌شود. به بیان دیگر، همان‌گونه که در نمودار ۱ می‌بینیم، میانگین این ناهنجاری‌ها در سطح ۵۵ درصد است و این پیام روشن را در خود دارد که بازنگری اساسی در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس برای بهبود سلامت روانی-اجتماعی و تربیت شهروندی، یک ضرورت قطعی است. در واقع، وضعیت موجود برنامه‌های آموزشی و درسی و نیز دیدگاه‌ها، برنامه‌ها، و عملکردهای اصلاح‌گری جزئی که در حال حاضر در بخش‌های برنامه‌ریزی آموزشی، تألیف کتاب‌های درسی و نوآوری‌های آموزشی دیده می‌شود پاسخگوی چالش‌های کنونی و نیازهای مربوط به مهارت‌های زندگی و تربیت شهروندی در سطح ملی نیست.

و با زندگی در عصر کنونی جهانی شدن نیز تناسب لازم را ندارد، بلکه به دلیل امیدواری‌های نابجایی که ایجاد می‌کند، می‌تواند در خلاف جهت هدف‌های تعلیم و تربیت نیز عمل کند.

نمودار ۱. وضعیت ویژگی‌های سلامت روانی - اجتماعی نوجوانان و جوانان



۲-۲- چگونگی نگرش دانش‌آموزان نوجوان و جوان به جهانی شدن

یافته‌های پژوهشی فوق و آنچه در زیر ارائه شده، بر اساس دو پژوهش ملی (اولی در باره "وضعیت روان‌شناختی نوجوانان و جوانان" از یک نمونه وسیع ملی ۲۱۳۰۰ نفری از جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله و دومی در باره "جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت ملی و فرهنگی دانش‌آموزان پسر و دختر دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی کشور" از یک نمونه ۴۲۹۲ نفری دانش‌آموزان سنین ۱۳

تا ۲۰ سال، به منظور پاسخ‌گویی به یک مجموعه سؤالات پژوهشی) به دست آمده است. نمونه تحقیق دوم که نتایج آن با موضوع این مقاله ارتباط بیش‌تری دارد، از شش استان در شش منطقه شمالی و جنوبی و شرقی و غربی و مرکزی و تهران انتخاب شده و توزیع آن به صورتی است که در جداول ۲ و ۳ و ۴ مشاهده می‌کنید.

جدول ۲. توزیع فراوانی نمونه تحقیق از شش استان کشور و جنسیت آزمودنی‌ها

استان‌ها	تعداد	درصد	درصد تراکمی
تهران	۱۰۹۱	۲۵,۴	۲۵,۴
مرکزی	۶۲۶	۱۴,۶	۴۰
چهارمحال و بختیاری	۶۳۷	۱۴,۸	۵۴,۹
یزد	۵۷۷	۱۳,۴	۶۸,۳
مازندران	۷۰۵	۱۶,۴	۸۴,۷
خراسان رضوی	۶۵۶	۱۵,۳	۱۰۰
کل	۴۲۹۲	۱۰۰	
پسران کل استان‌ها	۲۱۱۱	۴۹,۲	۴۹,۲
دختران کل استان‌ها	۲۱۸۱	۵۰,۸	۱۰۰

جدول ۳. توزیع فراوانی سن آزمودنی‌ها

سن تقریبی	تعداد	درصد	درصد تراکمی
۱۳ و کم‌تر	۲۹	۰,۷	۰,۷
۱۴ سال	۳۸۴	۹	۹,۶
۱۵ سال	۱۱۵۹	۲۷	۳۶,۷
۱۶ سال	۱۳۰۵	۳۰,۵	۶۷,۱
۱۷ سال	۱۰۳۱	۲۴,۱	۹۱,۲
۱۸ سال	۳۲۰	۷,۵	۹۸,۷
۱۹ سال و بیش‌تر	۵۷	۱,۳	۱۰۰

کل	۴۲۸۵	۹۹,۸
بی پاسخ	۷	۰,۲
کل	۴۲۹۲	۱۰۰

جدول ۴. توزیع فراوانی پایه تحصیلی آزمودنی‌ها

پایه تحصیلی	تعداد	درصد	درصد تراکمی
اول دبیرستان	۱۲۴۴	۲۹	۲۹
دوم دبیرستان	۱۲۵۳	۲۹,۲	۵۸,۳
سوم دبیرستان	۱۱۷۲	۲۷,۳	۸۵,۶
پیش دانشگاهی	۶۱۷	۱۴,۴	۱۰۰
کل	۴۲۸۶	۹۹,۹	
بی پاسخ	۶	۰,۱	
کل	۴۲۹۲	۱۰۰	

در این تحقیق، پاسخ‌گویی به یک مجموعه سؤالات اصلی و فرعی مورد نظر بوده است. تحلیل داده‌های پژوهشی جمع‌آوری شده در مورد برخی از این سؤالات، نشان داد که:

در پاسخ به سؤال مبنی بر تفاوت نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی به جهانی‌شدن، یافته‌های پژوهشی ما نشان داد که نگرش منفعل و تسلیم‌پذیری به جهانی‌سازی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی بیش از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی است. در نگرش فعال و منطقی، دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی وضع بهتری از دانش‌آموزان دبیرستانی دارند.

در مورد سؤال مربوط به عوامل زمینه‌ای مؤثر بر نگرش به جهانی‌شدن (شامل چگونگی فرزندپروری در خانواده، عملکرد مدرسه در خصوص آموزش جهانی‌شدن، هویت شاگردان و وضعیت روان‌شناختی آنان)، تحلیل‌های ما نشان داد که عملکردهای مثبت فرهنگی و ملی خانواده و پاسخ‌گویی آن به نیازهای فرزندان، زمینه‌ساز نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن است. افزون‌بر این، هویت سالم و نیرومند فرهنگی و ملی و اخلاقی و نیز، نیروی زندگی و سلامت روانی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی، تأثیری مثبت بر نگرش فعال و منطقی آنان به پدیده جهانی‌شدن دارد.

شدن دارد. یافته‌های پژوهشی ما نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی دارای هویت نیرومند ملی (در دو جنبه آمادگی دفاع از سرزمین و ایران‌دوستی) هستند و به پدیده جهانی شدن نیز نگرشی فعال و معقول دارند. همچنین، قدرت پیش‌بینی تمایل به پیشرفت و آبادانی کشور (با ضریب بتای نیرومند ۰/۳۲) بیش از هر عامل دیگری در نگرش فعال نوجوانان و جوانان دانش‌آموز به پدیده جهانی شدن مؤثر است.

۲-۳- نقش مدرسه در چگونگی نگرش نوجوانان به جهانی شدن

یافته‌های تحقیق ما در پاسخ به سؤال دیگر پژوهش مبنی بر نقش مدارس در نگرش به جهانی شدن، حاکی از آن است که مدارس نتوانسته‌اند نقش مؤثری در نگرش فعال و منطقی دانش‌آموزان نوجوان به پدیده جهانی شدن داشته باشند. از این یافته‌ها برمی‌آید که آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم دبیرستان‌ها به نوجوانان در موضوع جهانی شدن، موفقیتی ندارد و نظر دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی بیش‌تر آن است که آموزش جهانی شدن در برنامه‌ها و جریان تدریس و در فعالیت‌های فوق‌برنامه نتوانسته است نگرش فعال و معقولی را در آنان ایجاد کند و آموزش مناسبی در قبال پدیده جهانی شدن به آنان ارائه نشده است. این یافته‌ها که در جداول ۵ تا ۷ ارائه شده‌اند، نشان می‌دهند که عملکرد مدارس بیش از آن‌که موجب ایجاد نگرش فعال و منطقی در مورد پدیده جهانی شدن بشود نقشی معکوس ایفا کرده و، بر بستر وضعیت اجتماعی و فرهنگی موجود، به پذیرش جهانی سازی (یعنی نگرش منفعل و تسلیم‌پذیر در مقابل فرهنگ و سبک زندگی بیگانه) منجر شده است. شاهد هستیم که در هر یک از چهار مدل جدول شماره ۵، حتی با افزودن متغیرهای آموزشی و پرورشی بیشتر، با عملکرد معکوس برنامه‌ها مواجه هستیم.

جدول ۵. خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره پذیرش جهانی سازی (نگرش منفعل و تسلیم‌پذیر)

Model Summary										
Change Statistics					Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	Model	
Sig. F Change	df2	df1	F Change	R Square Change						
۰,۰۰۰	۴۰۰۶	۱	۵۸,۵۵۲	۰,۰۱۹	۱,۰۲۰۶	۰,۰۱۹	۰,۰۱۹	(a)۰,۱۳۸	۱	
۰,۰۰۰	۴۰۰۵	۱	۱۵,۹۲۳	۰,۰۰۵	۱,۰۱۸۰	۰,۰۲۴	۰,۰۲۴	(b)۰,۱۵۶	۲	
۰,۰۰۰	۴۰۰۴	۱	۱۵,۴۶۹	۰,۰۰۵	۱,۰۱۵۶	۰,۰۲۸	۰,۰۲۹	(c)۰,۱۷۱	۳	
۰,۰۲۷	۴۰۰۳	۱	۴,۸۹۷	۰,۰۰۲	۱,۰۱۴۹	۰,۰۳۰	۰,۰۳۱	(d)۰,۱۷۶	۴	

a Predictors: (Constant) آموزش جهانی شدن در جریان تدریس

b Predictors: (Constant) آموزش جهانی شدن در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی
c Predictors: (Constant) آموزش جهانی شدن در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی، آموزش جهانی شدن در فعالیت‌های فوق برنامه
d Predictors: (Constant) آموزش جهانی شدن در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی، آموزش جهانی شدن در فعالیت‌های فوق برنامه، آماده سازی دانش آموزان برای واکنش در قبال جهانی شدن

جدول ۶. تحلیل واریانس برای رگرسیون چند متغیره پذیرش جهانی سازی (نگرش منفعل و تسلیم‌پذیر)

ANOVA(e)					
Sig	F	Mean Square	df	Sum of Squares	Model
(d)۰,۰۰۰	۲۳,۹۰۲	۲۴,۶۲۲	۴	۹۸,۴۸۷	Regression
		۱,۰۳۰	۴۰۰۳	۳۰۹۳,۴۱۲	Residual
			۴۰۰۷	۳۱۹۱,۹۰۰	Total

(d) آموزش جهانی شدن در جریان تدریس، آموزش جهانی شدن در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی، آموزش جهانی شدن در فعالیت‌های فوق برنامه، آماده سازی دانش آموزان برای واکنش در قبال جهانی شدن

e Dependent Variable: پذیرش جهانی سازی

جدول ۷. ضرایب رگرسیون چند متغیره پذیرش جهانی سازی (نگرش منفعل و تسلیم‌پذیر)

Coefficients(a)								
Correlations			Sig	t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Model
Part	Partial	Zero-order			Beta	Std. Error	B	
			۰,۰۰۰	۴۹,۲۲۶		۰,۰۵۹	۲,۸۹۸	(Constant)
۰,۰۷۵	۰,۰۷۶	۰,۱۳۸	۰,۰۰۰	۴,۱۵۲	۰,۱۰۱	۰,۰۲۴	۰,۹۹۳	آموزش جهانی شدن در جریان تدریس
۰,۰۸۸	۰,۰۸۹	۰,۰۱۷	۰,۰۰۰	۴,۹۱۱	۰,۰۹۷	۰,۰۱۷	-۰,۸۵	آموزش جهانی شدن در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی
۰,۰۶۱	۰,۰۶۲	۰,۱۲۵	۰,۰۰۱	۳,۴۱۱	۰,۰۷۸	۰,۰۱۹	۰,۶۴۳	آموزش جهانی شدن در فعالیت‌های فوق برنامه
۰,۰۴۰	۰,۰۴۰	۰,۱۱۱	۰,۰۲۷	۲,۲۱۳	۰,۰۴۹	۰,۰۲۰	۰,۴۳۶	آماده سازی دانش

آموزان برای واکنش در
قبال جهانی شدن

a Dependent Variable: پذیرش جهانی سازی

یافته‌های تحقیق در باره عملکرد مدارس در زمینه جهانی‌نگری و ملیت‌گرایی (نگرش فعال و منطقی به جهانی شدن) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران در جداول ۸ تا ۱۰ ارائه شده است. در این بخش از تحقیق، مسأله اساسی این بوده است که رابطه بین عملکرد مدرسه را با جهانی‌نگری و ملیت‌گرایی یا نگرش فعال و معقول دانش‌آموزان تبیین کنیم.

آزمون معنادار F نشان‌دهنده آن است که فرض مربوط به نقش مثبت و مؤثر همه متغیرهای عملکرد مدرسه، مبنی بر آماده‌سازی دانش‌آموزان برای واکنش مناسب در قبال جهانی شدن، آموزش جهانی شدن در جریان تدریس، آموزش جهانی شدن در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی و آموزش جهانی-شدن در فعالیتهای فوق برنامه رد شده است.

ضرایب رگرسیون استانداردشده تفکیکی یا β برای این متغیرها عبارت است از: آماده‌سازی دانش-آموزان برای واکنش مناسب در قبال جهانی شدن، $-۰/۲۱$ ؛ آموزش جهانی شدن در جریان تدریس، $-۰/۱۱$ ؛ آموزش جهانی شدن در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی، $-۰/۱۰$ ؛ و آموزش جهانی شدن در فعالیتهای فوق برنامه، $-۰/۰۷$ ؛ از این یافته‌های پژوهشی برمی‌آید که آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم دبیرستان‌ها به نوجوانان و جوانان در موضوع جهانی شدن موفقیتی ندارد و نظر دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی بیش‌تر آن است که آموزش جهانی شدن در برنامه‌ها و جریان تدریس و در فعالیتهای فوق برنامه نتوانسته است نگرش فعال و معقولی را در آنان ایجاد کند و آموزش مناسبی در قبال پدیده جهانی شدن به آنان بدهد (نگاه کنید به جداول ۸ تا ۱۰).

جدول ۸ خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره جهانی‌نگری و ایران‌گرایی (نگرش فعال و معقول)

Model Summary										
Change Statistics					Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	Model	
Sig. F Change	df2	df1	F Change	R Square Change						
۰,۰۰۰	۴۰۰۵	۱	۲۳۷,۶۹۴	۰,۰۷۳	۰,۶۵۳۰	۰,۰۷۳	۰,۰۷۳	(a)۰,۲۷۱	۱	
۰,۰۰۰	۴۰۰۴	۱	۳۲,۸۳۴	۰,۰۱۰	۰,۶۴۹۵	۰,۰۸۳	۰,۰۸۳	(b)۰,۲۸۹	۲	
۰,۰۰۰	۴۰۰۳	۱	۲۱,۷۵۴	۰,۰۰۷	۰,۶۴۷۳	۰,۰۸۹	۰,۰۹۰	(c)۰,۳۰۰	۳	
۰,۰۰۱	۴۰۰۲	۱	۱۰,۴۲۴	۰,۰۰۳	۰,۶۴۶۳	۰,۰۹۲	۰,۰۹۳	(d)۰,۳۰۵	۴	

a Predictors (Constant): آماده سازی دانش آموزان برای واکنش در قبال جهانی شدن

b Predictors (Constant): آماده سازی دانش آموزان برای واکنش در قبال جهانی شدن، آموزش جهانی شدن در جریان تدریس

c Predictors: (Constant): آماده سازی دانش آموزان برای واکنش در قبال جهانی شدن، آموزش جهانی شدن در برنامه ها و کتابهای درسی

d Predictors: (Constant): آماده سازی دانش آموزان برای واکنش در قبال جهانی شدن، آموزش جهانی شدن در برنامه ها و کتابهای درسی، آموزش جهانی شدن در فعالیتهای فوق برنامه

جدول ۹. تحلیل واریانس برای رگرسیون چند متغیره جهانی نگر و ایران گرایی (نگرش فعال و معقول)

ANOVA(e)					
Sig	F	Mean Square	Df	Sum of Squares	Model
(d)۰,۰۰۰	۷۷,۰۱۱	۳۲,۱۶۶	۴	۱۲۸,۶۶۳	Regression
		۰,۴۱۸	۴۰۰۲	۱۲۵۳,۸۷۴	Residual
			۴۰۰۶	۱۳۸۲,۵۳۷	Total

d Predictors: (Constant): آماده سازی دانش آموزان برای واکنش در قبال جهانی شدن، آموزش جهانی شدن در جریان تدریس، آموزش جهانی شدن در برنامه ها و کتابهای درسی، آموزش جهانی شدن در فعالیتهای فوق برنامه

e Dependent Variable: جهانی نگر و ایران گرایی

جدول ۱۰. ضرایب رگرسیون چند متغیره جهانی نگر و ایران گرایی (نگرش فعال و معقول)

Coefficients(a)								
Correlations			Sig	t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Model
Part	Partial	Zero-order				Beta	Std. Error	
			۰,۰۰۰	۱۴۱,۴۹۰		۰,۰۲۸	۵,۳۰۶	(Constant)
			۰,۰۰۰	-۹,۵۲۵	-۰,۲۰۵	۰,۰۱۳	-۰,۱۲۰	آماده سازی دانش آموزان برای واکنش در قبال جهانی شدن
			۰,۰۰۰	-۴,۸۴۹	-۰,۱۱۴	۰,۰۱۵	-۰,۷۳۸	آموزش جهانی شدن در جریان تدریس
			۰,۰۰۰	-۵,۱۵۶	-۰,۰۹۹	۰,۰۱۱	۰,۵۶۸	آموزش جهانی

								شدن در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی
								آموزش جهانی شدن در فعالیت‌های فوق برنامه
-۰,۰۵۶	-۰,۰۵۹	-۰,۱۹۹	۰,۰۰۱	-۳,۲۲۹	-۰,۰۷۲	۰,۰۱۲	-۰,۳۸۷	
A Dependent Variable: جهانی‌نگری و ایران‌گرایی								

۲-۴- تأثیر مؤلفه‌های نظام ارزشی نوجوانان و جوانان بر نگرش به جهانی‌شدن

یافته‌های پژوهشی ما در مورد تأثیر مؤلفه‌های نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان ۱۳ تا ۲۰ ساله بر نگرش آنان به پدیده جهانی‌شدن، نشان داد که نیرومندی ارزش‌های ملی و ارزش‌های خانوادگی حائز بیش‌ترین تأثیر مثبت بر نگرش فعال آنان به پدیده جهانی‌شدن است. برعکس، ارزش‌های سیاسی کم‌ترین تأثیر مثبت را بر نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن دارد. به بیان دیگر، دانش‌آموزانی که تعلق خاطر بیش‌تری به ارزش‌های سیاسی دارند از نگرش فعال و منطقی کم‌تری به پدیده جهانی‌شدن برخوردارند بلکه، برعکس، یا متمایل به جهانی‌سازی هستند یا گرایش به ستیزه‌جویی با پدیده جهانی‌شدن دارند. این بدان معنا نیز هست که ما از این نظر با دو گرایش متضاد در بین گروه قابل توجهی از نوجوانان و جوانان دانش‌آموز رو به رو هستیم که از تعادلی معقول در این مورد برخوردار نیستند و افراطی‌گری جای میانه‌گزینی را گرفته است.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که اولویت ارزش‌های مورد توجه نوجوانان دانش‌آموز دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ما، به ترتیب اهمیت، عبارت‌اند از: (۱) ارزش‌های ملی، (۲) ارزش‌های خانوادگی، (۳) ارزش‌های اجتماعی، (۴) ارزش‌های دینی، (۵) ارزش‌های علمی، (۶) ارزش‌های فردی، (۷) ارزش‌های اقتصادی، (۸) ارزش‌های هنری، (۹) ارزش‌های سیاسی، و (۱۰) ارزش‌های جهانی. جالب توجه است که برای نوجوانان دانش‌آموز ایرانی، آنچه بیش از همه اهمیت دارد ارزش‌های ملی و تمایلات میهن‌دوستی است که می‌تواند نقشی بسیار مهم در آموزش و تربیت آنان داشته باشد.

در پاسخ به دو سؤال اصلی دیگر پژوهش (یعنی مطالعه وضعیت هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان و ارتباط آن با نگرش فعال به پدیده جهانی‌شدن) یافته‌های ما نشان داد که دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی از هر دو نظر، در مقایسه با دانش‌آموزان دبیرستانی، هویت نسبتاً

نیرومندتری دارند. از آنجا که این تفاوت جزئی است، می‌توان نتیجه گرفت که پیشرفته‌تر بودن این جنبه از هویت، ناشی از تفاوت سنی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در مقایسه با دانش‌آموزان سال‌های اول تا سوم دبیرستان است. هم‌چنین، نگرش فعال در مورد پدیده جهانی شدن، رابطه متقابل مثبت و نیرومند با نظام ارزشی و هویت سالم فرهنگی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی دارد.

۲-۵- سایر یافته‌های پژوهشی

افزون‌بر آنچه گفته شد، تحلیل‌های ما از داده‌های جمع‌آوری شده نشان داد که:

۱- نگرش به جهانی شدن در میان دختران و پسران دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی متفاوت از یکدیگر است، به این معنا که تمایل دختران به جهانی سازی کم‌تر از پسران است و آنان، در مقایسه با پسران، نگرش فعال نیرومندتری به پدیده جهانی شدن دارند. این یافته پژوهشی حاکی از تعلق نیرومند دختران جوان به هویت ملی و نگرش فعال و منطقی‌تر آنان در مورد شهروندی جهانی است.

۲- نگرش به جهانی شدن در میان دانش‌آموزان دبیرستانی در مقایسه با دانش‌آموزان پیش-دانشگاهی، جنبه‌های انفعالی و تسلیم‌پذیری بیش‌تری دارد. این بدان معنا است که نوجوانان دانش‌آموز دبیرستانی که سن کمتر و وضعیت تحصیلی پایین‌تری دارند بیش‌تر در معرض فاصله گرفتن از هویت ملی خود هستند.

۳- آن دسته از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی که به طبقات بالای اقتصادی-اجتماعی تعلق دارند، در مقایسه با دانش‌آموزان متعلق به طبقات پایین و میانه، نگرش منفعل بیش‌تری به جهانی سازی نشان می‌دهند و روحیه مقابله‌جویی با جهانی سازی نیز در آنان کم‌تر است. این امر، علاوه بر ارتباط رفاه اقتصادی دانش‌آموزان با تسلیم‌پذیری آنان به جهانی سازی، حاکی از رابطه مثبت محرومیت اقتصادی-اجتماعی با ستیزه‌جویی نیز هست.

۴- دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی متعلق به خانواده‌هایی با تحصیلات بالا و برخوردار فرهنگی بیشتر، نگرش فعال و منطقی بیش‌تری به جهانی شدن دارند و نگرش مخالف و مقابله‌جویانه آنان با جهانی سازی نیز کم‌تر است. تفسیری که از این یافته پژوهشی می‌توان کرد این است که افراد تحصیل کرده‌تر انعطاف‌پذیری بیش‌تری در مسائل جهانی دارند. هم‌چنین، می‌توان رابطه مثبت محرومیت فرهنگی و ستیزه‌جویی را نیز از این یافته پژوهشی نتیجه گرفت.

۵- عوامل روان‌شناختی (وضعیت سلامت و مشکلات روانی- اجتماعی) نیز زمینه‌ساز نوع نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی به پدیده جهانی شدن است. در واقع، آن دسته از نوجوانان دانش‌آموز که سلامت روانی- اجتماعی بیش‌تر و مشکلات کم‌تری دارند، نگرش فعال و منطقی بیش‌تری به پدیده جهانی شدن نشان می‌دهند و پذیرش کم‌تری هم به ستیزه‌جویی و هم به فرایند و طرح جهانی سازی دارند. از این یافته‌های مهم پژوهشی می‌توان رابطه مثبت نابهنجاری‌های روانی- اجتماعی با مقابله‌جویی نامعقول را نتیجه گرفت.

۶- بر اساس تحلیل‌های آماری در این پژوهش، عوامل سنی، جنسیتی، تحصیلی، خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی، و روان‌شناختی (ونیز ترکیب‌هایی از این عوامل) زمینه‌ساز تفاوت نظام ارزشی و هویت فرهنگی و ملی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی است و این زمینه‌سازی‌ها، حسب مورد، متفاوت از یکدیگر است. به بیان دیگر، خامی ناشی از کم-سن‌وسالی، پسر بودن، تحصیلات کم‌تر داشتن، تعلق به خانواده‌های آشفته و بی‌تفاوت و طردکننده، محرومیت اقتصادی و فرهنگی، و نابهنجاری‌های روان‌شناختی رابطه مثبت با فقر هویت سالم فرهنگی و ملی و با نگرش ستیزه‌جویانه نسبت به پذیرش واقعیت‌های شهروندی جهانی دارد. چنین ویژگی‌هایی است که مورد سوء استفاده جریان‌های شرور تاریخی قرار می‌گیرد و اگر جامعه و نظام تعلیم و تربیت بخواهد به حل ریشه‌ای مسائل ستیزه‌جویی و قرارداد نوجوانان و جوانان در مسیر سلامت هویت ملی و هویت جهانی و انسانی بپردازد، لازم است در بهبودبخشی هر یک از نابهنجاری‌های نامبرده (یعنی ناآگاهی ناشی از بیسوادی و کم‌سوادی، آشفته‌گی و بی‌تفاوتی و طردکنندگی در خانواده، محرومیت اقتصادی و فرهنگی، و نابهنجاری‌های روان‌شناختی نوجوانان و جوانان) برنامه‌ریزی دقیق و کوشش همه‌جانبه به عمل آورد.

۷- از مجموع یافته‌های پژوهشی ما و مقایسه جوانب گوناگون هویت نوجوانان و جوانان استنباط می‌شود که آنان هر چند در زمینه اعتقادات دینی و ایران‌دوستی واکنش مثبت و امیدوارکننده‌ای نشان می‌دهند، اما در نمودهای عملی و عینی هویت اجتماعی و رفتار حاکی از تعهد شهروندی دچار ضعف‌های جدی هستند. مثلاً ایران‌دوستی در جوهر خود به معنای کوشش خستگی‌ناپذیر برای خدمت به پیشرفت و آبادانی کشور و احساس مسئولیت عمیق و عملی در تعهد به نظم و قانون و عدالت و برای بهبود زندگی بهداشتی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خود و سایر مردم است اما گروه‌های وسیعی از نوجوانان و جوانان، که در جنبه نظری و در اظهاراتشان هویت محکم فرهنگی و ملی از خود نشان می‌دهند، در پاسخ به سئوالات سنجش روان‌شناختی گرفتار سردرگمی و توقف و تعلیق

هویت هستند و تعهد عملی لازم را نسبت به مقتضیات حقیقی ایران دوستی از نظر هویت مدنی و شغلی از خود نشان نمی‌دهند. به نظر می‌رسد که این ضعف تعهد و مسئولیت نسبت به مصالح عمومی و ملی در جوانی و بزرگسالی نیز باقی است و نتیجه آن را در مناسبات مخدوش اجتماعی و اقتصادی مردم با یکدیگر می‌توان دید. این یافته‌های پژوهشی نیز هشدار دیگری برای جامعه و نظام تعلیم و تربیت است و بار سنگینتری را بر دوش اندیشمندان و فرهیختگان و فرهنگیان و معلمان و شیفتگان هویت سالم ملی و جهانی و انسانی نوجوانان و جوانان کشور می‌گذارد.

۲-۶- بررسی ویژگی‌های مهم روان‌شناختی که مانع از رشد شهروندی است

نکات مهم دیگری نیز در پژوهش ما در باره وضعیت روان‌شناختی جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله به دست آمد که جا دارد به برخی از آن‌ها اشاره کنیم. تحلیل‌های آماری از داده‌های پژوهشی نشان داد که دو ویژگی منفی به عنوان موانع اصلی درونی بر سر راه رشد شهروندی نوجوانان و جوانان وجود دارد که عبارت‌اند از: خلافکاری و روحیه سرکشی. تحلیل‌های آماری به منظور تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده این دو ویژگی منفی ضدشهروندی (یعنی خلافکاری و روحیه سرکشی) نشان داد که هفت عامل مهم دارای بیش‌ترین قدرت پیش‌بینی روحیه خلافکاری و سرکشی در میان نوجوانان و جوانان است. نتیجه این بررسی‌ها در جدول ۱۱ نشان داده شده است.

جدول ۱۱. عوامل پیش‌بینی‌کننده دو ویژگی منفی ضدشهروندی

روحه سرکشی/خلافکاری	اعتیادپذیری	تعارض با والدین	هویت شغلی	هویت اجتماعی و مدنی	نگرش ضداجتماعی	β ویژگی‌ها
β ۰/۲۸	β ۰/۵۲	β ۰/۱۹	β -۰/۲۹	β -۰/۱۷	β ۰/۳۰	روحه خلافکاری
β ۰/۵۵	β ۰/۱۸	β ۰/۲۳	β -۰/۳۳	β -۰/۱۶	β ۰/۳۵	روحه سرکشی

در جدول فوق شاهد هستیم که بزرگ‌ترین عامل زمینه‌ساز خلافکاری جوانان کل کشور، کیفوری طلبی و تمایل به اعتیادپذیری (با ضریب بتای فوق‌العاده نیرومند ۰/۵۲) است که در واقع یک مکانیسم دفاعی برای فرار از مشکلات است. نگرش ضد اجتماعی (با ضریب بتای نیرومند ۰/۳۰)، ضعف هویت شغلی (با ضریب نیرومند ۰/۲۹)، روحیه سرکشی (با ضریب نیرومند ۰/۲۸)،

و تعارض با والدین و هویت ضعیف اجتماعی و مدنی، از جمله عوامل مهم دیگری هستند که پیش‌بینی‌کنندهٔ خلافکاری نوجوانان و جوانان به شمار می‌روند.

از سوی دیگر، روحیهٔ سرکشی که در میان گروه‌هایی از نوجوانان و جوانان کل کشور شیوع دارد، در درجهٔ اول ناشی از روحیهٔ خلافکاری (با ضریب بتای فوق‌العاده بالای ۰/۵۵)، نگرش ضداجتماعی (با ضریب بتای منفی ۰/۳۵-)، فقر هویت شغلی (با ضریب ۰/۳۳-)، تعارض با والدین (با ضریب ۰/۲۳)، اعتیادپذیری، و ضعف هویت اجتماعی و مدنی است. این یافته‌های پژوهشی نیز، ضرورت تجدید نظر اساسی در تربیت دانش‌آموزان و برنامه‌ریزی برای آموزش مهارت‌های زندگی و شهروندی محلی و ملی و جهانی و انسانی را آشکار می‌سازد.

۳- حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در سطوح محلی و ملی و جهانی و ضرورت و چگونگی آموزش روش تفکر درست و تصمیم‌گیری اندیشمندانه به دانش‌آموزان

یافته‌های پژوهشی ما ضرورت آموزش مسائل جهانی و ملی و محلی و حقوق و مسئولیت‌های شهروندی به دانش‌آموزان و ضرورت آموزش روش تفکر درست و تصمیم‌گیری اندیشمندانه برای ایفای نقش شهروندی را آشکار می‌سازد. سؤال اساسی در این مورد آن است که: شهروندی چیست؟ شهروندی و هویت ملی (به عنوان نیرومندترین ویژگی در نظام ارزشی جوانان) چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟ و کدام آموزش‌ها و چگونه باید به دانش‌آموزان ارائه شود؟

۳-۱- معنای شهروندی

هر فردی که به دنیا می‌آید باید به عنوان یک شهروند شناخته شود و از تمام حقوقی که در "اعلامیهٔ حق رشد" و "عهدنامهٔ حقوق کودک"^۴ (ترجمهٔ لطف‌آبادی، ۱۳۷۸، صفحات ۱۴۱ تا ۱۸۴) مقرر شده است بهره‌مند شود. هر فردی به انواع گوناگونی از جوامع، از خانواده و جامعهٔ محلی گرفته تا جامعهٔ ملی و بین‌المللی و انسانی، متعلق است و باید از تمام حقوق خود در این جوامع برخوردار باشد و مسئولیت‌های شهروندی را بر عهده بگیرد.

بنابراین، همهٔ آنان که در ایران یا از خانواده‌های ایرانی در خارج از ایران به دنیا می‌آیند و شناسنامهٔ ایرانی می‌گیرند، شهروند ایران شناخته می‌شوند و باید از حقوق برابر با سایر هم‌وطنان خود و با اعضای جامعهٔ انسانی در سطح بین‌المللی برخوردار باشند و به تدریج که رشد می‌کنند از حقوق ویژهٔ کودکان، نوجوانان، جوانان، بزرگسالان، و سال‌خوردگان بهره‌مند شوند. وقتی

شهروندی با رعایت برابری حقوق مشارکت در انواع فعالیت‌های فردی و اجتماعی شرکت می‌کند. این به معنای آزادی و قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری و عمل همراه با حقوق مساوی در زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. حقوق و مسئولیت‌های شهروندی دارای ویژگی متقابل است. برای مثال، اگر ما حق حرمت و کرامت داریم سایر افراد نیز از چنین حقوقی برخوردار هستند و ما نیز مسئول رعایت حقوق و حرمت و کرامت آنان هستیم.

شهروندی فعال و مسئولانه فقط به معنای تعلق به جامعه‌های گوناگون محلی و ملی و جهانی نیست بلکه به معنای مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و نهادهای جمعی نیز هست (نورد وارن^۵، ۲۰۰۱). این مشارکت مسئولانه نیازمند استفاده درست و منصفانه و مراقبت‌کننده از منابع عمومی مادی و اجتماعی نیز هست. این مسئولیت‌های شهروندی منحصر به افراد نیست بلکه هر نهاد کوچک و بزرگ عمومی (اعم از خصوصی و دولتی) نیز وظیفه دارد حقوق سایر افراد و نهادها و مسئولیت‌های شهروندی خود را کاملاً رعایت کند. به بیان دیگر، شهروندی فقط یک مقوله شخصی و فردی نیست بلکه می‌توان سطوح دیگری از شهروندی، نظیر "شهروندی خانوادگی"، "شهروندی شغلی"، "شهروندی فرهنگی"، و نظایر این‌ها را که یک فرد در هر مورد دارای حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی و شغلی و فرهنگی و امثال آن است، نیز در نظر گرفت.

۳-۲- شهروندی و هویت ملی

شهروندی نوعی از اجتماعی شدن و حاکی از آماده شدن برای زندگی در جامعه محلی و ملی و جهانی است، اما با وجود این که حقوق و مسئولیت‌های عمومی انسانی در جوامع گوناگون همانندی دارد، آنچه در این میان اهمیت بیشتری می‌یابد و همه کشورها عملاً اتباع خود را برای آن آماده می‌سازند، عضویت فرد در جامعه ملی است (ویلیام دامون^۶، ۲۰۰۱). در شرایط قبول برابری حقوق انسانی تمام افراد نوع بشر و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی در میان جوامع گوناگون و رفتار مسالمت‌آمیز داشتن در قبال آن‌ها، پرورش هویت سالم ملی در میان شهروندان یک کشور نشانه روشنی از وفاداری به شهروندی جهانی و انسانی نیز هست. هویت اجتماعی دارای سطوح گوناگون است که همه آنها مکمل یکدیگرند نه معارض یکدیگر. مثلاً هر فرد دارای ویژگی‌های روان‌شناختی خاص خویش است و در عین حال عضو یک خانواده، یک حرفه، یک شهر، یک قومیت، یک ملت، و کل جامعه جهانی نیز هست. معنایی ندارد که عضویت فرد در سطوح گوناگون اجتماعی (اعم از خانوادگی و شغلی و شهری و قومی و ملی و جهانی) را مغایر یکدیگر بدانیم. کسانی که چنین می‌کنند عموماً در پی منافع خودخواهانه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی

خاص خود هستند و مراتب هویت مردم را دچار تعارض و اغتشاش می‌سازند تا به سود خود از آن بهره گیرند.

در کشوری نظیر ایران که جامعه‌ای است متکثر و مملو از گروه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی و زبانی و قومی، تربیت شهروندانی که به حقوق برابر و انسانی تمام هم‌وطنان خود احترام بگذارند و کرامت انسانی همه آنان را در عمل پاسداری کنند، نشانه‌ای از تربیت شهروندی جهانی و حرمت گذاشتن به حقوق تمام انسان‌ها نیز هست مشروط بر آن‌که هیچ فرد یا افرادی که ملیت ایرانی دارند، دچار تبعیض نشوند و به این یا آن بهانه جدا از مجموعه سایر شهروندان ایرانی به حساب نییند. شهروندانی که عملاً برابری حقوق یکایک هم‌وطنان خود را بلااستثناء به رسمیت بشناسند، مسلماً حرمت انسانی و حقوق برابر را برای مردمان کشورهای دیگر نیز باور خواهند داشت. چنین آموزش‌هایی است که در نظام تعلیم و تربیت شهروندی باید به آحاد مردم داده شود تا افراد و گروه‌های معینی نتوانند به بهانه‌های واهی خود را برتر از دیگران و تعیین‌کننده تکلیف برای این و آن بدانند.

برای آن‌که مهارت‌های مشارکت شهروندی متناسب با هویت تاریخی و فرهنگی ایرانی در بین دانش‌آموزان شکل بگیرد، آنان باید با تمام میراث فرهنگی و هویت ملی و انسانی خود آشنا شوند و زندگی خود را متناسب با زندگی در جهان کنونی سازمان‌دهی کنند. به بیان دیگر، تربیت شهروندی با استحکام بخشیدن به هویت ملی دانش‌آموزان و حرمت و کرامت انسانی آنان گره خورده است. شهروندی جهانی به معنای مشارکت در مناسبات جهانی متکی بر دانش و فهم مسائل جهانی، تفاهم و صلح‌جویی و احترام و منافع متقابل، و ارزش‌های مربوط به برابری و عدالت در میان جوامع بشری است و با برخورداری از مهارت‌های قضاوت آگاهانه و عادلانه در مورد چالش‌های جهانی معنا پیدا می‌کند.

۳-۳- آموزش شهروندی

آموزش شهروندی عبارت از رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. این آموزش‌ها شامل حقوق انسانی، رشد مستمر و همه‌جانبه، اخلاق و ارزش‌ها، صلح و مسالمت-جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوت‌هاست. منظور از حقوق انسانی، یادگیری ارزش‌های مشترک و حقوق و آزادی‌های انسانی است. آگاهی سیاسی به معنای دست‌یابی به دانش و شناخت امور سیاسی و نظام‌های سیاسی است (سید،^۷ ۲۰۰۶). پذیرش تفاوت‌ها به معنای فهمیدن و حرمت نهادن به گوناگونی درک و دریافت‌های فرهنگی و دینی و اندیشه‌های افراد و گروه‌های مختلف است. منظور از برابری شهروندی این است که هر فردی دارای حقوق مشارکت

در تمام امور زندگی اجتماعی و مسئولیت در مقابل هر نوع تبعیض مستقیم و غیرمستقیمی باشد که ممکن است برابری حقوق افراد و گروه‌ها را تهدید کند. آموزش صلح به معنای آن است که افراد یاد بگیرند با احترام به یکدیگر و با رعایت حقوق اجتماعی و زیست-محیطی زندگی کنند و چالش‌ها و تعارض‌هایی را که در سطوح گوناگون زندگی جمعی و ملی و جهانی پیش می‌آید، به نحوی مسالمت‌آمیز حل کنند.

از آنجا که رسانه‌های عمومی (تلویزیون، رادیو، اینترنت، روزنامه‌ها، و مجلات) نقش مهمی در شکل‌گیری و تغییر نگرش و اندیشه و رفتار شهروندان دارند و ممکن است حقوق انسانی آنان را مخدوش کنند، که این کار در همه‌جای جهان صورت می‌گیرد، آموزش و شناخت روش‌ها و عملکردهای رسانه‌ها و چگونگی اطلاع‌رسانی درست و نادرست و قضاوت عینی در قبال رسانه‌ها ضرورت می‌یابد. در مورد دانش و هنرها نیز، که در عصر کنونی تأثیر عظیمی بر بینش و نگرش و رفتار شهروندان، به ویژه کودکان و نوجوانان و جوانان، دارند لازم است آموزش‌های کافی به دانش‌آموزان داده شود.

آموزش شهروندی حائز اهمیت اساسی در زندگی است، زیرا افراد جامعه باید یاد بگیرند که به نحوی مؤثر در بهبود بخشیدن به امور گوناگون جامعه محلی و ملی و جهانی مشارکت کنند. تربیت شهروندان فعال و مسئول کمک بزرگی به پیشرفت فردی و اجتماعی و حفاظت از طبیعت و محیط زندگی است. این آموزش‌ها می‌تواند توسط خانواده و مدرسه و رسانه‌های همگانی و نهادهای اجتماعی صورت گیرد، اما مسئولیت اصلی آن بر دوش نظام آموزش و پرورش است که باید به‌گونه‌ای عملی و در جریان ارتباط‌های دانش‌آموزان با یکدیگر و با سایر افراد و گروه‌ها از آنان شهروندانی فعال و مسئول بسازد.

از آنجا که ادراک افراد از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی متفاوت (و گاه متعارض) است، همه افراد نیازمند آموزش شهروندی برای کنش و واکنش مسالمت‌آمیز در برخورد با تفاوت‌ها هستند. این آموزش‌ها می‌تواند دربرگیرنده راهبردهای گفت و گو، مصالحه، آگاهی یافتن از فوائد تفاوت‌ها برای پیشرفت فردی و اجتماعی، رشد ویژگی‌های درونی پذیرش تفاوت‌ها و آگاهی از خطر تعارض‌های تهدیدکننده حقوق انسانی (مانند نژادپرستی، تبعیض جنسیتی، برترینی گروه‌های معین اجتماعی و فرهنگی، و تعصبات فرقه‌گرایانه) و ضرورت مقابله با آنهاست.

آموزش شهروندی جهانی به معنای آموزش شهروندی همراه با حقوق برابر و عادلانه به تمام اتباع یک ملت (از هر رنگ و نژاد و زبان و فرهنگ و باور و اندیشه و سبک زندگی) نیز هست. این آموزش‌ها که می‌تواند در برنامه‌های درسی نیز جای گیرد، شامل حرمت‌نهادن به کیفیت و تنوع، قانون و حقوق و مسئولیت‌های انسانی، نظم و آزادی، قدرت و پاسخگویی، تفاوت و

همکاری، فردیت و اجتماعی بودن، دموکراسی واقعی، تسلط قانون عادلانه، و برابری و عدالت است (آرتور جیمز^۱ و همکاران، ۲۰۰۳).

۳-۴- آموزش شهروندی در مدرسه

شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت، همه افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزش‌های متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند. دانش-آموزان نیز نیازمند آن هستند که در زمینه‌های اخلاقی، رشد اجتماعی، و دانش و درک درست و عینی از جهان، آموزش ببینند، در تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند، به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند. آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت‌کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقه‌مند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند.

وقتی که دانش‌آموزان به سن نوجوانی و جوانی می‌رسند مدرسه و محیط آموزشی باید به آنان بیاموزد که چگونه یک زندگی مستقل برای خود ایجاد کنند و علاوه بر مهارت‌های ضروری، مشاوره و آموزش لازم در زمینه ادامه تحصیلات، پیدا کردن شغل، استقلال‌یافتن از خانواده، مدیریت امور مالی خود و آشنایی با قوانین و ارتباط‌گیری با ادارات و مسئولان دولتی را به آنان آموزش دهد. نوجوانان و جوانان نیازمند ترکیب پیچیده‌ای از شایستگی‌های فکری و رفتاری و مهارت‌های گوناگون نظری و عملی برای آغاز زندگی مستقل خود هستند و مدرسه باید نقش خود در کمک به آنان را در این امور پیچیده ایفا کند تا بتوانند به زندگی اجتماعی وارد شوند و نقش مستقل خود به عنوان یک شهروند مسئول را ایفا کنند.

۳-۵- آموزش فلسفه و روش تفکر درست شهروندی

آموزش شهروندی ملی و جهانی به دانش‌آموزان به منظور توانایی‌بخشیدن به آنان برای مشارکت و تصمیم‌گیری درست در فرایند مسائل دور و نزدیک زندگی اجتماعی و فرهنگی و انسانی، نیازمند آموزش انواع مهارت‌های تفکر (به‌ویژه جست‌وجوگری، تفکر منطقی، تفکر حل مسأله، تفکر مراقبت‌کننده، تفکر خلاق و تفکر نقاد) است (کریک^۲، ۱۹۹۹). برای این منظور راهبردها و روش‌های گوناگون آموزش فلسفه و درست‌اندیشیدن به دانش‌آموزان وجود دارد.

روش‌هایی که ماتیو لیپین^{۱۱} (۱۹۸۸ و ۱۹۹۳) ارائه کرده و "انجمن پیشبرد جست‌وجوهای فلسفی و بازتاب آن در آموزش و پرورش"^{۱۲} آن‌ها را گسترش داده است، بر رابطه نزدیک فکری معلم و دانش‌آموز و ایجاد انگیزه برای آغاز یک بحث و گفت‌وگو از طریق طرح یک داستان، یک قطعه شعر، بیان یک واقعه، و ارائه یک تصویر یا یک مطلب از کتاب و روزنامه و امثال آن، تأکید دارد. پس از ایجاد انگیزه، فرصتی به دانش‌آموزان داده می‌شود تا به تفکر بپردازند و سپس گفت‌وگوهای گروهی خود را آغاز کنند. این گفت‌وگوها از ارائه اطلاعات ساده شروع می‌شود و هر مطلبی که ارائه می‌شود مقدمه جست‌وجوگری و طرح سؤالات دقیق‌تر برای تعمق بیش‌تر درباره آن است. کار معلم، که نقش تسهیل‌کننده گفت‌وگوها را دارد، این است که انگیزه اولیه را ایجاد کند، واسطه طرح سؤالات بیش‌تر باشد، و راهبردهای مناسب برای بحث و گفت‌وگوهای ثمربخش را ارائه دهد.

این آموزش‌ها، افزون‌بر یادگیری درست‌اندیشیدن و شناخت مغالطات و مغالطه‌گری، باعث رشد امنیت و عزت نفس، اعتماد متقابل، مهارت‌های عاطفی، مهارت‌های یادگیری گروهی، مهارت‌های بین‌فردی و حل مسأله، فهم و پذیرش دیدگاه‌های متفاوت، رشد هویت جمعی و بهبود مناسبات شهروندی می‌شوند. این بحث‌ها و گفت‌وگوها می‌توانند به ایجاد گروه‌های جست‌وجوگری فلسفی در مسائل گوناگون نیز بینجامند و مدرسه را به مکان پژوهش و کوشش برای اندیشه درست تبدیل کنند.

گروه‌های جست‌وجوگری فلسفی، با روش بحث و گفت‌وگوهای دانش‌آموزمحور، می‌توانند باعث تشویق دانش‌آموزان به طرح سؤالات گوناگون، تفکر گسترده و عمیق و حرمت‌نهادن به انواع طرزفکرهای گوناگون در مسائل مختلف بشوند که این انعطاف‌پذیری یکی از آموزش‌های مهم شهروندی است. رشد جست‌وجوگری و کنکاش فکری در یک محیط مطمئن و حمایت‌کننده و احترام‌آمیز، زمینه‌های لازم برای ایفای نقش آگاهانه شهروندی فعال و مسئول را فراهم می‌آورد.

مسأله اصلی در آموزش درست‌اندیشیدن در باره شهروندی در کلاس درس یا در گروه‌های جست‌وجوگری فلسفی، این است که دانش‌آموزان بتوانند هر نوع روابط اجتماعی خود با دیگران در خانواده و کلاس و مدرسه و کوچه و خیابان و محیط‌های اجتماعی محلی و ملی و منطقه‌ای و جهانی را به عینی‌ترین و ثمربخش‌ترین وجه ممکن و در ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین سطوح تفکر، توضیح و تفسیر و تبیین کنند و نقشی را که در هر مورد می‌توانند و باید ایفا کنند به درستی بفهمند. برای این منظور روش جست‌وجوگری فلسفی و پژوهش علمی (یعنی راه‌پیمودن از مرحله بیان مسأله و هدف و پیشینه موضوع و جستجو برای پاسخ به هر بخش و کل مسأله تا ارائه گزارش و تفسیر نتایج و ارائه پیشنهادها) راهنمای مناسبی است. در این مورد، دانش روان‌شناسی

سطوح تفکر و نظریه‌های روانشناسی شناختی می‌توانند به ما کمک کنند. نظریه‌های گوناگون معرفت‌شناسی بر سطوح متفاوت تفکر (تفکر حسی، تفکر عملیات عینی، تفکر صوری، تفکر فراصوری، تفکر روشمند، و خرد مینوی^{۱۲}) مبتنی است. این سطوح گوناگون تفکر با انواع نظریه‌های روان‌شناسی شناختی (از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین نوع)، یعنی رفتارگرایی، پردازش اطلاعات، شناخت‌گرایی، رویکرد اکتشافی، و خردگرایی مینوی و علمی منطبق است و در هر مورد می‌توان برای آموزش فلسفه متناسب با سطح تفکر دانش‌آموزان برنامه‌ریزی کرد.

متخصصان روان‌شناسی تربیتی، معلمان دانا و مجرب، گروه‌های فهمیم و علاقه‌مند در آموزش و پرورش و نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی می‌توانند این موضوع حیاتی را مورد توجه قرار دهند و به مرحله عمل درآورند. اجرای پژوهش‌های علمی، برگزاری همایش‌های علمی، و تهیه و انتشار مجلات علمی در این موضوع، کمک بزرگی به تحقق هدف مورد بحث خواهد کرد.

با چنین دیدگاهها و برنامه‌ها و اقداماتی است که می‌توان آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با پرورش اندیشه درست و تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان ایران را تحقق بخشید.

در نظام آموزشی ایران، تدریس فلسفه به پایان دوره دبیرستان و تحصیلات دانشگاهی اختصاص دارد. فرض بر این است که یادگیری فلسفه نیازمند سطح تفکر انتزاعی است و این سطح از تفکر مربوط به سالهای دوره دبیرستانی و پس از آن است. واقعیت این است که این هر دو فرض همراه با خطاست. اول آن که خطاست فلسفی را فقط از نوع مسائل انتزاعی بدانیم و دوم آن که دانش‌آموزان دبستانی و دوره راهنمایی نیز از ظرفیت‌های فکری لازم برای پرداختن به مسائل فلسفی برخوردارند. پژوهش‌های فراوانی وجود دارد که نظریه پیازه در باره ظرفیت‌های شناختی دانش‌آموزان ۶ تا ۱۳ ساله را نادرست نشان می‌دهد و توانایی فکری آنان را بسیار بیش‌تر از تفکر عملیات عینی^{۱۳} مورد نظر پیازه می‌داند (آستینگتون^{۱۴}، ۱۹۹۳؛ گوپنیک^{۱۵} و همکاران، ۱۹۹۹). همان‌گونه که دانش‌آموزان دبستانی و راهنمایی می‌توانند ادبیات و شعر و دانش اجتماعی و تاریخ و سایر دروس را فراگیرند، فلسفه و روش درست اندیشیدن را نیز می‌توان به زبان ساده به آنان آموزش داد. در واقع، مشکل از سوی دانش‌آموزان نیست. ما خود باید هم در فهم معنای فلسفه و اندیشه درست، هم در تشخیص توانایی‌ها و ظرفیت‌های شناختی دانش‌آموزان، هم در محتوا و روش و ابزارهای تدریس، و هم در دانش و توانایی‌های معلم برای آموزش فلسفه و اندیشه درست به دانش‌آموزان دبستانی و راهنمایی تجدید نظر کنیم.

مشکلات برنامه‌های درسی مدارس ما فقط منحصر به موضوع فوق نیست. ما نیازمند آن هستیم که فهم خود از فلسفه تعلیم و تربیت و مناسب‌سازی آن با زندگی در عصر حاضر، به تبع آن، برنامه‌های آموزشی و درسی و کتاب‌های درسی و روش‌های تدریس و تربیت معلم را نیز بازنگری

کنیم. در غیر این صورت، عقب ماندگی های کنونی تداوم خواهد یافت و روز به روز از پیشرفت های جامعه جهانی عقب خواهیم ماند. ما باید هم خودمان به تفکر نقاد و حل مسأله و تفکر مراقبت کننده مجهز شویم و هم دانش آموزان را با این نوع تفکر تربیت کنیم و به آنان بیاموزیم که با یادگیری تفکر منطقی و تعمقی و نقاد می توانند تصمیم بگیرند که چه چیزهایی را باور کنند و چه چیزهایی را باور نکنند. آموزش فلسفه به دانش آموزان به معنای آموزش درست اندیشیدن درباره اندیشه ها از طریق جست و جو با روش علمی برای درست زیستن است. دانش آموزان باید یاد بگیرند که به صورت هدفمند بیندیشند و در تعبیر و تفسیر مسائل با کمک تحلیل و ارزش یابی مبتنی بر شاخص های عینی، به قضاوت درست درباره امور بپردازند.

واقعیت این است که فلسفه را به همه کس می توان آموخت مشروط بر آن که موضوع مناسب، روش مناسب، زبان و ابزار مناسب، و موقعیت مناسب را برای این آموزش ها بشناسیم و به کارگیریم. در چنین صورتی و با چنین نگرشی، مسأله اصلی آموزش فلسفه به دانش آموزان این است که بتوانند در باره دیدگاه های متفاوت افراد و در باره معنای زندگی خود در محیط محلی و ملی و جهانی به درستی بیندیشند و به زندگی خود سامان بهتری بدهند. مسأله این نیست که فلسفه کلاسیک و سنتی را به دانش آموزان بیاموزیم بلکه می خواهیم آنان تفکر و چگونگی نگرش خلاق و نقاد و مراقبت کننده درباره مسائل و درباره دیگران را یاد بگیرند. آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان به کمک آموزش فلسفه می تواند به این صورت باشد که دانش آموزان در این آموزش ها دانش و مهارت لازم را در پنج حوزه زیر به دست آورند:

- ۱- چگونگی ارتباط گرفتن با دیگران و بدهبستان اجتماعی کردن.
- ۲- بحث و گفت و گو در باره شباهت ها و تفاوت ها و طبقه بندی کردن واقعیت ها و امور روزمره زندگی شهروندی.
- ۳- توجه دقیق به ساختار و معنای زبانی و مفهومی در کنار واقعیت های عینی مورد بررسی، به منظور ایجاد ارتباط محکم و متناسب بین مفاهیم زبانی و واقعیت های بیرونی.
- ۴- چگونگی فراتر رفتن از واقعیت ها و مفاهیم زبانی به حوزه تفکر منظم و منطقی از طریق جست و جوهای مرتبط با امور اجتماعی و اخلاقی.
- ۵- کوشش برای تعمیق آموزش های ساده فلسفی به منظور جست و جو در موضوع های اخلاقی، زیبایی شناختی، معرفت شناختی، زندگی شناسی ملی و جهانی و هستی شناسی.

طبیعی است که آموزش های موارد اول تا سوم از سادگی بیش تری برخوردار است و برای دانش آموزان کم سن و سال مناسب تر به نظر می رسد، اما آموزش دو مورد آخر دشوارتر و برای دانش آموزان جوان قابل فهم تر است. در هر حال، مسأله اصلی این است که هر یک از آموزش ها دقیقاً در بافت زندگی واقعی شهروندی دانش آموزان ارائه شود تا آنان بتوانند وقتی با خود و برای

خود فکر می‌کنند با تفکر درست بیندیشند و در ارتباط با واقعیت‌ها و دیگران نیز اندیشه‌های درست را تشخیص دهند و این تشخیص را در زندگی خود به کار درآورند.

ما باید چگونگی درست اندیشیدن را به دانش‌آموزان بیاموزیم نه این‌که به آنان آموزش دهیم چه افکاری داشته باشند. همه می‌دانیم که چنین روشی در نقطه مقابل آموزش‌های موجود است و مقاومت‌های شدیدی به همراه خواهد داشت که آن‌ها را نیز باید با اندیشه درست و تدبیر و صبر فعال پشت سر گذاشت. هم‌چنین، آموزش فلسفه زندگی شهروندی ملی و جهانی باید محتوای عینی مرتبط با محیط زندگی ایرانی را که دانش‌آموز در آن به سر می‌برد، داشته باشد. از چنین راهی است که بومی‌کردن آموزش زندگی شهروندی محلی و ملی میسر می‌شود و مقدمه آموزش شهروندی جهانی را فراهم می‌آورد.

دانش‌آموزان ما دارای اندیشه "پیش‌فلسفی" هستند و به‌طور طبیعی به روش فلسفی خاصی که از قبل به آن خو گرفته‌اند می‌اندیشند. آنچه ما باید انجام دهیم این است که، با جایگزین کردن فلسفه خرد مینوی و علمی و روش درست اندیشیدن، علف‌های هرز ذهن آنان را ریشه‌کن سازیم و ظرفیت‌های طبیعی آنان را شکوفا سازیم و گرنه انواع فکرهای نادرست که در محیط زندگی روزمره آنان وجود دارد جای درست اندیشیدن را خواهد گرفت. انجام چنین کاری نیازمند سال‌ها کار سنجیده و مستمر و پیچیده و خستگی‌ناپذیر است که دست‌کم آموزش یکی دو نسل را دربر می‌گیرد و در زمان کوتاه میسر نخواهد شد.

کارهای بزرگ به سادگی و با سرعت انجام نمی‌شود. سخن درست آن است که، به جای نگرش عجولانه و ساده‌اندیشانه، باید مانند معلمان دانا و کارآزموده و خردمند بیندیشیم و بگوییم: اگر روزمره فکر می‌کنید کلاستان را خوب اداره کنید؛ اگر برای چند سال آینده برنامه‌ای دارید مدارس خوبی ایجاد کنید؛ اما اگر به فکر آینده ایران و آموزش شهروندی ملی و جهانی و انسانی ایرانیان هستید، تمام عمر خود را برای آموزش چگونگی درست اندیشیدن و خردمندانه‌زیستن به کودکان و نوجوانان و جوانان صرف کنید.

منابع

- استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۲). جهانی‌سازی و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی.
- ثانی، رضا (۱۳۸۲). زیر موج جهانی‌شدن، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- رفیعی فنود، محمد حسین (۱۳۸۱). آن سوی جهانی‌سازی، تهران: انتشارات شاپک.

فاکس، جرمی (۱۳۸۱). چامسکی و جهانی سازی. تقابلهای پسامدرن، ترجمه مزدک اندیشه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۶۸). شاهنامه (جلد اول تا نهم). مسکو. چاپ انستیتو ملل خاور.

گریفین، کیث (۱۳۸۱). مروری بر جهانی سازی و گذار اقتصادی، ترجمه محمدرضا فرزین، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی.

لطف آبادی، حسین (۱۳۷۸). آموزش حقوق انسانی و مصوبه های اصلی ملل متحد درباره حقوق بشر، انتشار محدود: دانشگاه فردوسی.

_____ (۱۳۸۲). پژوهش در وضعیت و نگرش و مسائل جوانان. فصلنامه علمی - کاربردی مطالعات جوانان، شماره اول، ۱۳۸۲ (صفحات ۱۲ تا ۳۲).

_____ (۱۳۸۳). نظریه پردازی و مقیاس سازی برای سنجش نظام ارزشی، فصلنامه علمی - پژوهشی نوآوریهای آموزشی، شماره ۷، بهار ۱۳۸۳ (صفحات ۳۳ تا ۵۸).

_____ (۱۳۸۴). روان شناسی تربیتی، تهران: انتشارات سازمان سمت.

_____ (۱۳۸۵). چاپ نهم). روان شناسی رشد ۲: نوجوانی و جوانی، تهران: انتشارات سازمان سمت.

_____؛ و نوروژی، وحیده (۱۳۸۳). بررسی نگرش دانش آموزان دبیرستانی و پیش دانشگاهی ایران به جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزشها و هویت دینی و ملی آنان. فصلنامه علمی - پژوهشی نوآوریهای آموزشی، شماره ۹، پاییز ۱۳۸۳ (صفحات ۸۸ تا ۱۱۹).

نقیب السادات، رضا (۱۳۸۲). جهانی سازی، تهران: انتشارات شابک.

Allport, Gordon W.; Wernon, Philip E.; & Lindsey, Gardner (1960). *Study of values*. Boston: Houghton Mifflin.

Astington, Janet Wilde (1993). *The child's discovery of the mind*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.

Benveniste, L. (1999). *The politics of educational reforms in the Southern Cone*. Ph. D. dissertation, School of Education, Stanford University, USA.

Carnoy, Martin (1999). *Globalization and educational reform: What planners need to know*. Paris. UNESCO: International Institute for Educational Planning.

Carnoy, M. & Rhoten, D. (2002). *What do globalization mean for educational change? A comparative approach*. Comparative Education Review, 46, 1.

Crick, B. (1999). "The presuppositions of citizenship education". Journal of Philosophy of Education. 33 (3), 337-352.

Damon, William (2001). *To not fade away. Fostering civil identity among the young*. In Diane Ravitch et al. (Eds.). *Making good citizens*. London: Yale University Press.

Daun, H. (2002). *Globalization and national education system; In "Educational restructuring in the context of globalization and national policy*. New York: Routledge Falmer.

Edwards, Richard, & Usher, Robin (2000). *Globalization and pedagogy: Space, place, and identity*. London: Routledge.

Gopnik, A., Kuhl, and Meltzoff, A. (1999). *The Scientist in the crib: What early learnig tells us about the mind*. New York: Perennial Books.

Green, A. (1997). *Education, globalization and the nation state*. London: McMillan.

Inglehart, Ronald (2000). *Globalization and postmodern values*. The Center for Strategic and International Studies of the Massachusetts Institute of Technology.

James, Arthur et al. (2003). *Teaching citizenship in the secondary school*. London: David Fulton.

Lipman, M. (1988). *Philosophy goes to School, Philadelphia*. Temple University Press.

Lipman, M. (1993). *Thinking Children and Education*. Iowa, Kendall/Hunt Publishing Company.

Rupert, Mark (2002). *Ideologies of globalization: Contending visions of a new world order*. New York: Routledge.

SEED: Scottish Executive Education Department (2006). *Education for citizenship. Scotland*. Smarter.

Stromquist, Nally, P., & Monkman, Karen, Eds. (2000). Oxford (England): *Globalization and Education: Integration and contestation across cultures*. Rowman & Littlefield Publishers.

Tierney, S. (Ed.) (2000). *Accomodating national identity: New approach in international and domestic law*. Boston: Kluwer Law International.

Warren, Nord (2001). *Moral disagreement, moral education, common ground*. In Diane Ravitch et al. (Eds.). *Making good citizens*. London: Yale University Press.

Zetterberg, Hans, L. (1997). *The study of values*. Stockholm. Value Scope AB.

پی نوشتها

1 - Commitment

2 - Crisis

3 - Stephan Tierney

4 - UN Convention on the Rights of the Child. A/RES/44/25. November 20, 1989.

5 - Nord Warren

6 - William Damon

7 - SEEd: Scottish Executive Education Department.

8 - Arthur James

9 - Crick

10 - Matthew Lipman

11 - Society for Advancing Philosophical Enquiry and Reflection in Education
(SAPERE)

¹² - Sensational thinking, concrete operational thinking, formal operational thinking,
meta-formal intellect, systematic intellect, & transcendent wisdom

13 - operational thinking

14 - Astington

15 - Gopnik